

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرپریر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۱/۵ | آذان مغرب ۱۸/۱۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۵ | آذان صبح فردا ۴/۳۰ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۴

قال الله تعالی:

در حدیث قدسی آمده است که خداوند می فرماید: ای احمد همانا عبادت ده جزء است که نه جزء آن طلب روزی حلال است، پس چون خوراک و نوشیدنی خود را پاک کردی در پناه و حمایت من هستی. **سخن روز**
بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۷۲، ص ۲۷

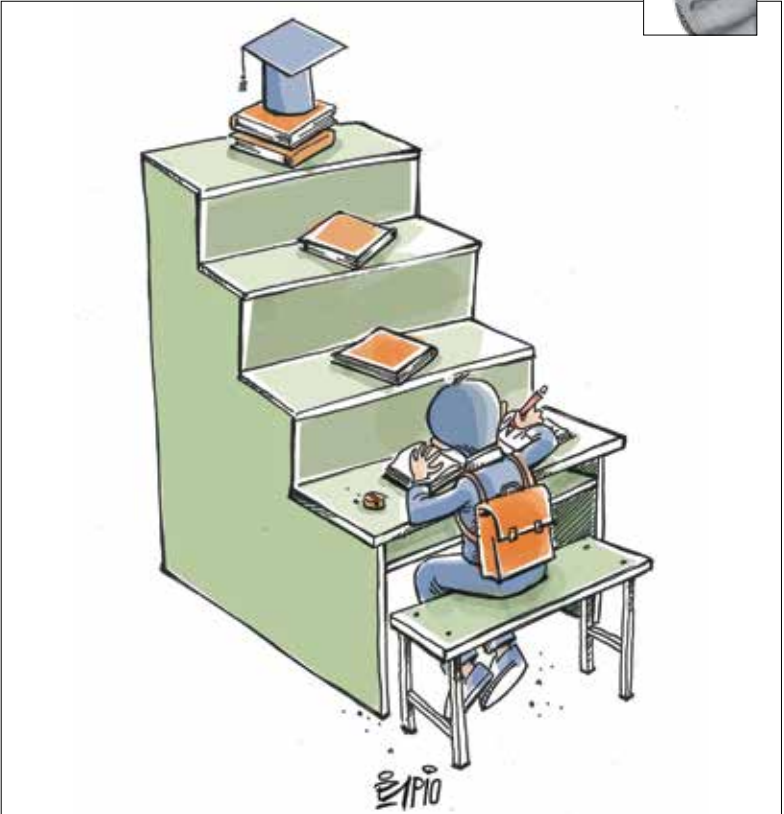
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰۰، فاکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پيامك: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ / روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
مندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ چاپم - مهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۴۸۸۹۲۰۰
www.iran-newspaper.com

نگاره

فیروزه مظفری



اول مهر



نسل جدید باید به دفاع مقدس حساس باشد

مجموعه داستان «روشنای خاموش» نوشته «علی اکبر والایی» از مجموعه «روزمای جنگ» به همت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس منتشرشد. «روزمای جنگ» تاکنون در ۶ جلد ویژه گروه سنی نوجوانان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته‌است.

حرف روز



علی‌اکبر والایی

نویسنده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخی کشورمان به شمار می‌آید، اتفاقی که آنچنان که باید و شاید از سوی اهالی کتاب به آن پرداخته نشده. این در حالی ست که ما تا اید از حضور آنهایی که جنگ را به‌طور مستقیم درک کرده‌اند و درباره‌اش می‌دانند بهره‌مند نخواهیم بود. ای کاش مسئولان از خود بی‌رشدی و افتقادی که هر یک در حکم بخشی از تاریخ شفاهی مان هستند را از دست بدیم چه بر سر بخش مهمی از تاریخ معاصرمان در ارتباط با نسل‌های آینده خواهد آمد. با وجود بی‌توجهی‌هایی که در حمایت از این بخش تاریخ مان می‌شود در حیطه ادبیات کارهایی از سوی برخی نویسندگان انجام شده اما هیچ کدام کافی نبوده‌اند، همچنان به کارهای بیشتری بویژه در مواجهه با نسلی که هیچ درکی از جنگ‌نداشته احساس می‌شود. اگر هم هرازچندی با کارهایی در این حوزه روبه‌رو شوید نشأت گرفته از علاقه شخصی و همین‌طور احساس وظیفه نویسندگان بوده وگرنه برخلاف تصور برخی دوستان نویسند، حمایتی از این بخش و موضوع نمی‌شود. من هم مجموعه داستانی «روشنای خاموش» را بر اساس علاقه شخصی خودم نوشته‌ام، برخی از ما اهالی کتاب از شانس حضور در جبهه برخوردار

آن قلندر آشفته‌مو

نه «حسین منزوی» شدن آسان است نه «حسین منزوی» ماندن! شاید همین دشواری، دلیل قانع‌کننده‌ای برای منزوی کردن حسین باشد. حتما باید بعد از این جمله که مثل عطسه‌ای ناگافل، بدجور پاییز را یادآوری می‌کند، به خودم بگویم: «البته ماه، پشت آب نمی‌ماند.» با خودم فکرمی‌کنم آیا سهم آن ماه که می‌گویم، همین‌اندک آسمان است و آن آب نایاب روجوقوت می‌خواهد بیارد و نتوانستن‌اش را باور کند؟!

«منزوی» ۵۷ «مهر» را به چشم دید و حالا که پاییز، این به قول اخوان «پادشاه فصل‌ها»، در راه است، ۱۵ سال است که «مهر»، «منزوی» را به چشم ندیده‌است و «منزوی» هم البته «مهری» ندیده است. غزل منزوی، صورت‌حساب که سرنا و کرنایی نداشته است اما همه این سال‌ها سبب‌ساز بوده است. سبب‌سازی که سعی می‌کرد خودش باشد و دیوار شعر کسی را آوار نکرد و هر چه قدر هم او را جعل کردند و از نم‌دام و نشانشن کلاه دوختند، نتوانستند شبیه‌اش باشند که او از «عشق» رویین تن بود و اکنون اگر پیش و پس اسم او، هیچ لقبی - به رسم تعارفات پیوهده شبه ادبی- خرج نمی‌شود، دست‌کار عشق است و به‌همین کیمیا اکنون شعرا و «قند پاری» است و به «بنگاله» می‌رود. اکنون چه پاک که او چگونه زیست و چگونه به جبر، به خود ویرانگری سر سپرد

یاد



ارمغان بهداروند

پژوهشگر

خسر و معصومی: «خوس» همچنان تازه است

دوستانی که در تعریف جنگ فیلم می‌سازند جایگاه خوبی دارند، همیشه در حمایت‌هستند و از هیچ چیز نمی‌ترسند. این فیلم مصوب بود و پروانه ساخت گرفت. کسانی که فیلم را دیدند آن را دوست داشتند و فقط عده‌ای با آن مخالفت داشتند که هنوز دلیل آن برای من روشن نشده است.

به نقل از ایبنا

یادداشت اول



شیا موحّد

شاعر و عضو هیأت

املائی انجمن حکمت

و فلسفه ایران

محمدرضا شجریان از پیشگسوتان عرصه موسیقی و آشنا و آگاه به شعر و ادبیات ایران است و توجه بسیاری به این موضوع دارد. البته پیش از ایشان، اغلب خوانندگان ردیف‌های آوازی اشعار سعدی را انتخاب می‌کردند. به این دلیل که شعرهای سعدی عاشقانه و نسبتاً آسان است و اغلب مردم با این اشعار آشنایی دارند. بنابراین خواننده بیشتر متوجه آواز بوده تا شعر. پیش از حافظ، شاعر مطرح ایران سعدی بود اما بعد از انقلاب مشروطه که در واقع آغازگر صدای شاعران موج نو بود و اغلب تحت تأثیر نیما، شاملو و دیگران، اشعار حافظ بسیار مطرح شد و آقای شجریان نخستین کسی است که غزلیات حافظ را بسیار خوانده و علاقه‌مند است. ناگفته نماند برخی افراد معتقدند بهتر بود آقای شجریان اشعار سعدی را انتخاب می‌کرد چرا که موجب توجه بیشتر افراد به شعر است تا آواز. ایشان اشعار شاعران دیگر را هم خوانده و در مجموع انتخاب‌های موقفی در شعر داشته است مانند شعر حضرت حافظ «مرا چشمیست خون افشان دست آن کمان ایرو/ جهان پر فتنه خواهد شد از آن چشم و از آن آبرو...» که به نظر من مناسب آواز نیست اما انتخاب ایشان بوده و به زیبایی خوانده و این نشان از اشراق کامل او به شعر و موسیقی است.

از دیگر هنرهای مورد علاقه آقای شجریان خوشنویسی و خط است و آشنایی بسیاری داشته و معمولاً خطان اشعار فارسی را به زیبایی می‌نویسند. از‌سوی دیگر هنر غبرقابل وصف موسیقی آوازی ایشان است که زبانه زد دنیا بوده است. موسیقی اصولاً با شعر همراه است و

استادی بی‌بدیل در خوشنویسی

دوستی دیرینه من و آقای شجریان به سال‌های خیلی دور برمی‌گردد: اگر اشتباه نکنم سال ۱۳۵۰ بود و آقای شجریان از مشهد به تهران آمده بودند.

ابتدا با دفتر خوشنویسی استاد حسین میرخانی که خود از اساتید صاحب‌سبک درخت نستعلیق معاصر و همچنین موسیقی آن دوران بودند آشنا شدند. من نیز علاقه‌مند به هنر خوشنویسی و موسیقی بودم و سال‌ها قبل در دانشگاه از محضر استاد حسین میرخانی هنر خوشنویسی را تملذ کرده‌ام. آن زمان که آقای شجریان به انجمن خوشنویسی آمدند جزو مدرسین این انجمن بودم و به یاد دارم استعداد فوق‌العاده و بی‌نظیری در زمینه خوشنویسی داشتند. در واقع آن دوران که ایشان به‌طور جدی به موسیقی آوازی نمی‌پرداختند در یک مدت کوتاهی آثار قلمی ایشان قابل توجه بود، بویژه خط نستعلیق و این خط را دشوارترین هنر روزگار معرفی می‌کردند. باید بگویم خط نستعلیق موسیقی مجسم است و مانند موسیقی دارای پیچ‌وخم‌ها و ظرافت‌های خاصی است. البته با نگاه دقیق‌تر خواهید دید همه هنرهای سنتی و ملی ما چون ادبیات، موسیقی، معماری، خوشنویسی به لحاظ ریشه‌ای به نوعی مشترکند و با یکدیگر پیوند دارند و از عمق و لطافت خاصی برخوردارند و نماینده اندیشه و ذوق ملت ایران هستند.

جامعه خوشنویسی هم با ادبیات کم نظیر ایران سابقه و الفت نزدیکی داشته و دارد و در بین شعراء بزرگ ایران، کتاب‌های فرهنگی، هنری و ادبی ما کتاب‌های بالینی خوشنویسی محسوب می‌شوند، اما صدای نازنین و ملکوتی آقای شجریان سبب شد شناختی دوباره نسبت به ادبیات داشته باشیم. در واقع ما هنرمندان خوشنویس با صدای آسمانی آقای شجریان توانستیم با شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی و مولانا تجدید ارادت کنیم. آثار بی‌نظیر آقای شجریان درعالم موسیقی آوازی توانست پیوند عمیق و عاطفی بین ملت ایران و فارسی زبان‌ها بر قرار کند که هیچ گاه کهنه نمی‌شود و این آثار درخشان مرور ذهنی همه ماست و به جایگاهی رسیدند که یگانه دوران شدند.

سرانجام دوستی‌ها و رفاقت من و آقای شجریان به رفت و آمد

آیدین آغداشلو: صدای مسعود عرشاهی سال‌های سال ماندگار خواهد بود

زندگی مانند صحنه‌ای است که طبل عظیم و بزرگی در میان آن قرار دارد که خلاق هر کدام به نوبت ضربه‌ای بر آن می‌زند و صدایش برمی‌خیزد و می‌پیچد. صدا و طنین صدای هر کسی نیز تفاوت دارد. حتی ماندگاری طنین هر شخصی نیز متفاوت است.

به نقل از مهر

ضیاء موحّد و غلامحسین امیرخانی در روز **محمدرضا شجریان** از دلایل ماندگاری او می‌گویند

برگ برنده‌اش آشنایی با شعر است

بی‌تردید به علاقه‌مندی آقای شجریان به تار جلیل شهناز بی‌ارتباط نیست. چرا که ساز جلیل شهناز تار آوازی است و همصدا با آواز است؛ مانند نقش‌های یک قالی به زیبایی در کنار هم نشسته‌اند. با این حساب باید گفت علاقه آقای شجریان به شعر ذاتی است بخصوص که پیش از این قاری قرآن بوده و در واقع هنر شعر و موسیقی در خانواده بزرگ شجریان موروثی است و نقش بسیار مهمی داشته و طی سال‌ها فعالیت ایشان در این حوزه توانست شعر و ادبیات و موسیقی ایران را بخوبی به دنیا معرفی کند. البته در حال حاضر تحرکی که باید در موسیقی ما وجود ندارد مانند دگرگونی که نیما در شعر ایجاد کرد؛ یک زمان کلنل علیقتی وزیر ی نوآوری‌ها و تحولات بسیاری در موسیقی بوجود آورد و بعدها در آثار زنده‌یاد پرویز مشکاتیان و یا دیگر هنرمندان موسیقی هم کارهای فاخری دیده شد اما این مسیر ادامه پیدا نکرد و به نظر سنگینی بار ردیف خوانی کمتر شده است.

ناگفته نماند خواننده‌های قدیم اصولاً سواد چندانی نداشتند و اغلب اشعار را به اشتباه می‌خواندند اما شجریان آشنا به شعر بود و شعور بالایی در موسیقی داشت و از محضر استادان قدیم بهره برده بود و عاشقانه کارهایشان را دنبال می‌کرد در واقع محمد رضا شجریان پدیده‌ای استثنایی در هنر موسیقی ایران است.



الفانسل ساسانی/ایران

خانوادگی منجر شد و سال‌های سال این ارتباط وجود داشت. آنچه که در شخصیت ایشان است به غیر از هنر متعالی ایشان در زمینه موسیقی آوازی، سلامت زندگی او بوده که بسیار قابل توجه است. شجریان بو ورزش بویژه کوهنوردی علاقه بسیار داشت. به یاد دارم به همراه خانواده‌ها به پیک نیک در دل طبیعت رفته بودیم. موقعیتی پیش آمد که می‌بایست مسیری را تا انومیل پیاده طی می‌کردیم. سربالایی تندی بود و حتی بدون داشتن وزنه و بار نفس‌هایمان به شماره افتاده بود. آقای شجریان کوله سنگینی بر دوشان بود و از همان ابتدای آن سربالایی غزل معروف خواجه شیراز را با آوازی رسا خواندند که خوب در خاطرم مانده است:

زان بار دلیوازم شکریست با شکایت

گر نکته‌دان عشقی بشنو تو این حکایت

بی‌مزد بود و مَنت هر خدمتی که کردم

یا رب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت



خوب می‌دانم‌توی آن
اتاق چی وجوددارد به
این علت‌می‌دانم‌توی آن
اتاق چیست، چون خودم
راتوی آن‌می‌اندازم. توی
اتاق دوم، اتاق پایینی،
هر چرامی بینم و مناسبم
نیست، می‌اندازم به‌طور
مثال به دنیا آمدن برادر
کوچکی‌را.

شهروند مجازی

یگانه خدای

هشتک #دری

پیش‌بینی‌ها کمی متفاوت شد هر چند که خیلی‌ها از اینکه امسال دربی دیگر برایشان مهم نیست می‌نوشتند. هشتک دربی یکی از پرکاربرترین هشتک‌های دیروز و می‌شود گفت داغ‌ترین آنها برای کاربران ایرانی بود:

• مرلیبن تندرو: «دربی را نمی‌بینم نتیجه برابیم مهم نیست و کلمات مربوط به آن میوت خواهد شد»
• خاتون آزاد: «شهر سرخانی شده»
• مریم صبور: «امروز دربی هست و چقدر مردم هستن که امروز نشون درگیر این دربی هست ولی چرا ما باید کنار باشیم؟ توی حاشیه. چرا اونهایی که اکثرمون با بازیاشون هیجان می‌گیریم توی این روز نباید به ما و حقوق ما نظری داشته باشن؟ چرا ما نباید از ورزشگاه سهمی داشته باشیم؟»
• شقایق: «هیچ ذوق دربی ندارم. امروز، برخلاف هر سال هم که می‌گفتم دوستامون بیاشن تو خونه ما که دسته جمعی بازی رو ببینیم، امسال کنسل کردم همه چی رو.»

• محمدامین: «در دوراهی دربی و کلاس درس عاقل یکی را انتخاب می‌کند و سقیه دیگری را.»
• درسا: «استرس دربی چسبیده به گلوام داره خفم میکنه!»
• دکتر هانیبال: «خوش به حال برانکو امروز دربی بی‌استرس می‌بینه. قشنگ می‌شینه جلوتی وی یه پاکت تخمه و میوه و...»
• زی زی گولو: «شما فکر کن دربی رو من سر کلاسم! همینقدر تباه! تازه استاد فرمودن میان درس هم میدن!»
• کیلومیناتی: «ایبایی که می‌پرسن بازی امروز ساعت چنده همونایی هستن که زنگ ورزش مشق زنگ بعدشونو می‌نوشتن»
• الیمو: «چند سالت بشه دیگه از صبح دربی دل شوره و هیجان نداری؟ مگه زندگی به باهار و یه تابستون و فیلان نبود که بعدش تکراری می‌شد؟»
• لیدی برد: «دربی ۹۰ بدون ۹۰»
• شهاب: «اونایی که دارن دو ساعت مونده به دربی از هشتک تحریم استادیوم استفاده میکنن دقیقاً فارشون چیه»

• متین شون: «خیلی دلم می‌خواست می‌رفتیم به جایی بازی رو باهم می‌دیدیم ولی متأسفانه جنبه دربی دیدن تو کافه ندارم خسارت وارد می‌کنم داستان می‌شه»
• رسول: «یک دربی رو سیاسی نکنید با تشکر!»
• جحماق: «من به این نتیجه رسیدم که اگه درمورد دربی توثیت زنی باختم».

• مبین: «سوآلی که فکر می‌کنم در تاریخ فقط یک نفر پرسیده رو پرسیدم: دربی هر چهار سال یکبار؟»

سالگرد یک حمله تروریستی

دیروز و همزمان با ۳۱ شهریور آغاز هفته دفاع مقدس، مصادف بود با سالگرد حادثه تروریستی اهواز. اتفاقی

که سال گذشته رقم خورد و خانواده‌هایی را داغدار کرد و مردم ایران را تحت تأثیر قرار داد. به همین دلیل دیروز خیلی‌ها درباره آن روز، شهدای این حمله و به خصوص کودک ۴ ساله که شهید شد و سربازانی که به مردم کمک کردند نوشتند: ارکیده احمدی: «ماه مهر آمد و مادر طاه‌ا اقدامی در آرزوی دیدن فرزندش در کلاس درس. به کدامین گناه؟»، استراژیست: «به یاد شهید محمد طاه‌ا اقدامی کوچکترین سند جنایت تروریست‌ها که در ۳۱ شهریور ۹۷ در حادثه تروریستی اهواز پرپر شد»، سروناز سادات: «پاراسال همین موقع برای چند لحظه امنیت نبود»، یاسین غلامی: «تروریست‌ها بار دیگر ثابت کردند که حرمه‌ها همیشه

هستند... فرقی نمی‌کند سال ۶۱ قمری باشد یا دهه ۹۰ شمسی»، نوح پناهی: «هچوقت گریه‌های پدر و مادر کودک ۴ساله که به دست حرمه‌های زمان شهید شد را فراموش نمی‌کنم»، محمد یاسین: «خواستم یادآوری کنم دقیقاً همین روز بود که تروریست‌ها وحدت ملی را نشانه گرفتن»، تیفون: «پاراسال به همچنین روزی یه کودک طفل معصوم تو خاک و خون غلتید، یه سرباز شجاع چون خواهر اون بچه رو نجات داد. یادمون بمونه»، میم مطالعه: «۳۱ شهریور پاراسال خونه ما جهنم بود. برای چند روزی اهواز بود... صبح به مامان پیام داده بودم من تا عصر درگیرم. جواب ندادم نگران نشی. ولی از یک ساعت بعد مامانم ۵۶ بار به من زنگ زده بود و نگران»، علی مهاجر: «صبح ۳۱ شهریور ۹۷ ساعت حوالی ۹صبح، طبق برنامه هرسال رژه است، اما سرباززی که چند روز به پایان سربازیش مونده بود، دیگه به خونه برگشت، ۲۵ شهید و ۷۰ زخمی، جانبا ۷۰ درصدی که به آرزوی شهادتش رسید و...»، سید تاج‌الدین ایزدگشسب: «تاریخ این صحنه را فراموش نمی‌کند که چند نیروی نظامی ما با وجود تیراندازی وحشی‌های تروریست در ۳۱ شهریور اهواز یک زن زخمی را با مشقت از معرکه دور می‌کنند و جانش را نجات می‌دهند. درود بر این غیرت و رشادت ارتش و سپاه و بچه‌های بسیج و ناجا»، حسنا: «داغ حادثه خونین ۳۱ شهریور اهواز همچنان جگرمان را می‌سوزاند»، علیا: «برادرم اون روز سرباز بود هنوز. البته به جای دیگه یه شهر دیگه. به جای امن. من ولی انگار یهو بهم گفتن ۲۵ تا برادرت کشته شدن به نامردی و ۷۰ تا شون هم زخمی. چقد ضجه زدم. چقد بد بود اون روز. می‌دونم هنوز دل بازمنده هاشون آروم نشده.»